

کاربرد نظریه کوانتوم در تحلیل جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران

دریافت: ۹۹/۰۴/۰۵

پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۸

شهرام قاضی زاده^۱

گارینه کشیشیان سیرکی^۲

حسن خداوردی^۳

چکیده

با تغییر پارادایم جامعه‌شناسی و ظهور کنشگران جدید در عرصه‌های فروملی، ملی و فراملی، الگوهای جدید تحلیلی همچون نظریه -کوانتومی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی مطرح شده که از ظرفیت توضیح منطق کنشگری‌های جدید برخوردارند. براساس علوم اجتماعی کوانتومی، رفتار کنشگر فروملی می‌تواند اثرگذاری بالایی در سطوح کلان و فراملی داشته باشد و به دلیل غیرجایگزیده بودن پدیده‌ها، این اثرگذاری می‌تواند تأثیرات دومینو شکلی ایجاد کند. در این مقاله، از روش تحلیل کوانتومی به عنوان رویکردی فرارشته‌ای، و تلفیقی از روش‌شناسی توصیفی - تفهمی - گفتمانی، برای تحلیل وضعیت جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران استفاده شد و این سؤال مطرح گردید که بر اساس نظریه کوانتوم، جامعه مدنی در جمهوری اسلامی در چه وضعیتی قرار دارد؟ با تحلیل کوانتومی، نشان داده شد که تحت تأثیر «ابزارهای نوین ارتباطی، ارتباطات شبکه‌ای، خاصیت غیرجایگزیدگی، عدم قطعیت و درهم تنیدگی»، سطح بازیگری کنشگران فروملی و ملی، نوسانات بسیاری را تجربه کرده است. همچنین،

فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره سوم (پیاپی ۱۱)، پاییز ۱۳۹۹

۱ دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ghazizadeh@hotmail.co.uk

۲ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران* (نویسنده مسئول) g.keshishian71@gmail.com

۳ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران hkhosravi55@yahoo.com

نتایج پژوهش نشان داد که این وضعیت، به معنای تحقق جامعه مدنی مشارکتی نیست؛ بلکه نوعی «جهش کوانتومی» اجتماعی در حال وقوع است که همانند تأثیرات «جهش ژنتیکی»، می‌تواند تبعات ناخوشه‌ای به جامعه تحمیل کند و در کوتاه‌مدت، وضعیت «بی‌هنجاری»، و در میان‌مدت، فرو ریزش اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

واژگان کلیدی: نظریه کوانتوم، جامعه مدنی، شبکه‌های اجتماعی، جمهوری اسلامی، فناوری‌های ارتباطی

مکانیک کوانتوم شاخه‌ای بنیادین از فیزیک نظری است که با پدیده‌های فیزیکی در مقیاس زیراتمی سروکار دارد و با پارامترهایی نظیر؛ «غیرجایگزیدگی، درهم‌تنیدگی، اصل عدم قطعیت، تصادف و احتمال، مفهوم کوانتومی زمان و ارتباطات شبکه‌ای» قابل فهم و محاسبه است.

در سال‌های اخیر، تغییر پارادایم جامعه‌شناسی و ظهور کنشگران جدید در عرصه‌های فروملی و فراملی که ماهیتی متمایز از بازیگران سنتی دارند، و همچنین توسعه فناوری‌های ارتباطی و گسترش شبکه‌های مجازی و اجتماعی، باعث درآمیخته‌گی مباحث اجتماعی با پارامترهای کوانتومی شده و بهره‌گیری از قالب‌های جدید تحلیلی همچون سیاست کوانتومی، که از ظرفیت توضیح منطق کنشگری‌های جدید در عرصه اجتماعی برخوردارند، مورد توجه تحلیل‌گران اجتماعی قرار گرفته است.

براساس منطق علوم اجتماعی کوانتومی، همانطور که مکانیک نیوتنی قادر است توصیف دقیقی از پدیده‌های ماکروسکوپی به دست دهد، ولی در توضیح پدیده‌های میکروسکوپی و پدیده‌های نزدیک به سرعت نور از ظرفیت توصیفی و تحلیلی مناسبی برخوردار نیست، نظریه‌های کلاسیک علوم اجتماعی نیز صرفاً قادرند تحولات سیاسی و اجتماعی کلاسیک را تشریح نمایند و در تحلیل پارادایم‌های جدید ناتوانند.

با همین منطق، در این مقاله با تکیه بر شاخصه‌های کوانتومی شش‌گانه، استفاده از روش تحلیل کوانتومی به عنوان یک رویکرد تلفیقی و فرارشته‌ای، تحلیل وضعیت جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، با کمک انقلاب زیراتمی و تحلیل کوانتومی، می‌توان بحران‌زدگی ساختارهای اقتدار در دولت‌های ملی و رشد سریع و قارچ‌گونه خرده‌گروه‌ها و خرده نظام‌ها را توضیح داد و تشریح کرد که افزایش خرده‌گروه‌ها موجب شده افراد بتوانند وفاداری خود را متوجه شمار بسیار زیادی از جمع‌های جایگزین کنند و آنها را با معیارهای مشروعیت خود محک بزنند و در چارچوب نظریه کوانتومی کنشگری کنند.

بنابراین، با تکیه بر پارامترهای کوانتومی نظیر؛ «نقش اجتماعی فرد فرد کنشگران، ذهنیت کوانتایی بازیگران، مفهوم کوانتومی زمان، درهم‌تنیدگی پدیده‌ها، ارتباطات شبکه‌ای،

نسبی‌گرایی و عدم قطعیت در وضعیت، و تصادف و احتمال» تحلیل دقیق‌تری از وضعیت حال حاضر جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران قابل ارائه است و با نگاهی آینده‌پژوهانه، تحلیل و واکاوی روندهای آتی امکان‌پذیر به نظر می‌رسد.

بر اساس تحلیل کوانتومی، دو دهه اخیر در جمهوری اسلامی را می‌توان دوره تحول در جامعه مدنی نام نهاد. در این دوره، با توسعه فناوری و ظهور کنشگران فروملی و فراملی، سامان مدنی و زندگی اجتماعی تغییرات گسترده و دامنه‌داری را تجربه کرده‌اند؛ به طوری که، تحت تأثیر «ارتباطات شبکه‌ای و فضای مجازی، درهم تنیدگی تحولات، غیرجایگزیده بودن پدیده‌ها، غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتار کنشگران»، نظام حقوق و تکالیف دولت و جامعه دستخوش تحولات در خور توجهی شد که تحت تأثیر اصل عدم قطعیت و پارامتر تصادف و احتمال، انتظار می‌رود که روند تغییر و تحولات همچنان ادامه یابد.

متأثر از این وضعیت، مدلی از کنش ارتباطی در حال شکل‌گیری است که نظام و باورهای اجتماعی - ارزشی ایران را بر نمی‌تابد؛ بنابراین، ساختار سیاسی و اجتماعی در حال خروج از عقلانیت ارزش‌مدار است و کنش رفتاری و جامعه مدنی با پارامترهای جدیدی در حال شکل‌گیری است. این وضعیت نه تنها به معنای تحقق یک جامعه مدنی مشارکتی نیست؛ بلکه می‌تواند سرآغاز مجموعه‌ای از تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه باشد که تأثیرات کوتاه‌مدت آن تداوم وضعیت آنومی و در میان‌مدت، ریزش اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

فرضیه و پرسش‌ها

بر اساس مقدمه مطرح شده، سؤال اصلی که در این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ آن هستیم، این است که «بر اساس نظریه کوانتوم، جامعه مدنی در جمهوری اسلامی در چه وضعیتی قرار دارد؟ و با توجه به تغییر پارادایم جامعه‌شناسی و تسلط ابزارهای نوین ارتباطی، جامعه مدنی در ایران با چه مخاطراتی مواجه است و به چه سمتی حرکت می‌کند؟» برای یافتن پاسخ، فرضیه اصلی مقاله عبارت است از؛ «تحت تأثیر ارتباطات شبکه‌ای و فضای مجازی، درهم تنیدگی تحولات، غیرجایگزیده بودن پدیده‌ها، غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتار کنشگران، اصل عدم قطعیت و پارامتر تصادف و احتمال، مجموعه‌ای از تغییرات

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه در حال تحقق است که در کوتاه مدت تداوم وضعیت بی‌هنجاری، و در میان مدت، ریزش اجتماعی را در به دنبال خواهد داشت.»

۱. پیشینه پژوهش

به طور سنتی، پدیده‌های سیاسی بر اساس رهیافت پوزیتیویستی و نگرش نیوتنی به جهان که مبتنی بر نگرش سیستمی است، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. اما، از نیمه دوم قرن بیستم و به ویژه در سه دهه اخیر، موضوع استفاده از تحلیل کوانتومی و یافته‌های فیزیک‌دانان برجسته‌ای چون؛ «کارل ارنست لودویک پلانک»^۱، آلبرت انیشتین، ورنر کارل هایزنبرگ، لویی دو بروی، اروین شرودینگر، جان فون نویمان و پول دیراک» مورد توجه برخی از اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی نظیر؛ «ادوارد نورتن لورنز، تئودور بکر، کریستال اسلین، الکساندر ونت و مارکوس بومن» قرار گرفت. (Rabinowitz, 2008, p. 936) در سال ۱۹۹۱، تئودور بکر در کتاب خود با عنوان؛ «سیاست کوانتومی؛ کاربری نظریه کوانتوم در پدیده‌های سیاسی»^۲ چنین ادعا می‌کند که فیزیک کوانتوم با برخورداری از پارادایم جدید و ابزارهای جایگزین، زمینه مناسب‌تری را برای فهم پدیده‌های سیاسی فراهم می‌آورد که نگرش نیوتنی قادر به توضیح و تبیین آنها نبوده است. بکر در سال ۲۰۰۰ نیز با همکاری کریستال اسلین کتاب دیگری با عنوان «آینده دموکراسی از راه دور»^۳ به رشته تحریر در می‌آورد که فصلی از آن به کاربری نگرش پسانیوتنی بر حکمرانی و دانش سیاست^۴ اختصاص یافته است.

مارکوس بومن در سال ۲۰۱۸ در کتاب؛ «سیاست کوانتومی؛ فراسوی طیف سیاسی ساده چپ - راست»^۵، با بهره‌گیری از نظریه کوانتومی در عرصه سیاست داخلی آمریکا، به شرایطی اشاره می‌کند که احتمالاً بتواند به پایان حاکمیت ۱۶۰ ساله دو حزب دموکرات و جمهوری خواه در آن کشور منجر شود. (محمودی کیا ۱۳۹۶، ۲۰۲)

همچنین، کریستوفر نوریس در کتاب؛ «نظریه کوانتوم و کوچ از رئالیسم» به تشریح نظریه کوانتوم می‌پردازد و تأکید می‌کند که سیاست کوانتومی چالش‌های جدی را برای واقع‌گرایان ایجاد کرده و نقش مهمی در تقویت اندیشه پست‌مدرنیسم داشته است. در متون فارسی، علیرضا منصوری کتابی در باب «مبانی فلسفی مکانیک کوانتوم» به رشته

تحریر درآورده که تأثیرات پیدایش مکانیک کوانتوم و مبانی فلسفی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. اما، کاربرد نظریه کوانتومی در علوم سیاسی و اجتماعی مقوله جدیدی است که از سوی معدودی از نظریه‌پردازان مورد توجه قرار گرفته است. محمد محمودی‌کیا کاربست این نظریه در تحلیل پدیده‌های سیاست بین‌الملل را مورد توجه قرار داده است. در مقاله‌ای دیگر، وی به همراه ارسالان قربانی شیخ‌نشین بحث جهانی شدن دین در مدل مکانیک کوانتومی سیاست بین‌الملل را مورد تحلیل قرار داده‌اند. علی‌اصغر کاظمی نیز در مقاله «سیاست کوانتومی دیدگاه روش‌شناختی جدید» به رابطه فعالیت‌های ذهن انسان با سیستم‌های کوانتومی می‌پردازد و ویژگی‌های تحلیل کوانتومی و رابطه پدیده مورد مشاهده و مشاهده‌گر را تشریح می‌کند و رابطه عدم قطعیت و نظریه آشوب را در قلمرو علم سیاست شرح می‌دهد.

در عین حال، علی‌رغم مطالب مفید منتشر شده در موضوع سیاست کوانتومی و ارتباط نظریه کوانتوم با علم سیاست و روابط بین‌الملل، رابطه نظریه کوانتوم با اجتماع و جامعه مدنی کمتر مورد توجه و پردازش قرار گرفته است که این مقاله بر آن متمرکز شده است.

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱ مفهوم جامعه مدنی

بحث جامعه مدنی به عنوان سنگ زیرین حکمرانی خوب، یکی از موضوعات روز جامعه‌شناسی سیاسی به شمار می‌رود. مفهوم جامعه مدنی، طیف وسیعی از تعبیر را در خود جای داده است. برخی از نظریه‌پردازان جامعه مدنی را مناسب کشورهای توسعه یافته تعبیر نموده و معتقدند در جوامع در حال توسعه، این ساختار موجب تضعیف دولت و بروز هرج و مرج می‌شود. برخی دیگر، نگاه فراملی به آن داشته و مفهوم جامعه مدنی را با مفاهیم جهانی شدن و جامعه مدنی جهانی گره می‌زنند. طیفی دیگر نیز براین باورند که هویت‌های جدید نظیر هویت دینی، در حال جایگزینی با هویت شهروندی است و شهروندی فراملی در حال جایگزینی با مفهوم کلاسیک جامعه مدنی است. عده‌ای نیز باور دارند که بحث در مورد جامعه مدنی، دامن زدن به افتراق میان دولت و جامعه است و ضروری است از مرحله حقوق و تکالیف دولت و جامعه عبور کنیم و به «فلسفه حکمرانی» و «مشارکت»^۶ پردازیم.

علیرغم افتراق‌های مورد اشاره، در این مسأله اتفاق نظر کلی حاصل است که جامعه مدنی برای تحقق و پیشبرد دموکراسی ضروری است و با مشارکت اجتماعی و حقوق شهروندی ارتباط مستقیم دارد.

به طور کلی، مفهوم جامعه مدنی از چهار منظر «عام، فلسفی، حقوقی و جامعه شناختی» قابل بررسی است. جامعه مدنی در «مفهوم عام»، به مدنیّت و تمدن باز می‌گردد؛ در تعریف عام جامعه مدنی، «جامعه» تشکلی اجتماعی و مجموعه‌ای از افراد است که با رعایت قواعد و مناسک^۷ و احساس همبستگی و وجدان جمعی با هم رابطه ایجاد می‌کنند. (امین، ۱۳۷۶، ۴۷) کلمه «مدنی» نیز منسوب به مدینه است که همان تجمع سامان‌یافته یا تشکل اجتماعی با وصف مدنیّت، تمدن و خصوصیت‌های متمدن بودن است.

«تعریف فلسفی» جامعه مدنی همان است که افلاطون در کتاب «جمهوریت» و ارسطو در کتاب «سیاست» در ظرفیت مدینه فاضله از آن سخن گفته‌اند و فلسفه اروپایی پس از رنسانس نیز آن را مبتنی بر تعقل، خردورزی، اجماع، شورا، توافق، تسامح، احترام به انسان و حاکمیت قانون می‌داند.

در «تعریف حقوقی»، مهم‌ترین مشخصه جامعه مدنی نهادینه شدن قانون در روابط بین افراد، و میان مردم و دولت است. یعنی همه مراجع، قدرت‌شان را از قانون می‌گیرند و باید تابع قانون باشند. در این تعریف، قوانین مبتنی بر قرارداد اجتماعی^۸ و اراده عمومی تدوین شده‌اند و بدون تبعیض در حق همه اجراء می‌شوند. (امین، ۱۳۷۶، ۵۱)

و اما در «تعریف جامعه شناختی» که در این تحقیق مورد توجه است، جامعه مدنی واسطی است بین ملت، حیطة خصوصی (فرد و خانواده) و حیطة عمومی (حکومت و نهادهای دولتی) که از طریق نهادها، نیروها، شبکه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، حرفه‌ای، فرهنگی، تبلیغاتی و ... ایفای نقش می‌کند و خواسته‌های مردم را به حکومت و محدودیت‌ها یا اولویتهای حکومت را به مردم منتقل می‌کند. در این تعریف، ویژگی عمده جامعه مدنی، کثرت‌گرایی و تنوع اجتماعی^۹ است. بر این اساس، اعضاء جامعه به گروه‌ها، هسته‌ها، دسته‌ها، احزاب، اتحادیه‌ها و انجمن‌های گوناگون می‌پیوندند و در انتخاب علایق و سلاقی خود آزادند و هر زمان بخواهند می‌توانند عقیده فردی یا تعلق گروهی خود را عوض کنند. (امین، ۱۳۷۶، ۴۹)

فارغ از دیدگاه‌های مختلف در مفهوم جامعه مدنی، توجه به این نکته ضروری است که فعالیت تشکلی‌های مدنی در یک جامعه، لزوماً به معنی قانون‌مداری یک حکومت و یا دموکراتیزه بودن آن نیست. نظام‌سیاسی جامعه ممکن است قانون‌مدار و حتی بر پایه انتخابات عمومی باشد، اما جامعه، مدنی محور نباشد.

۲-۱-۱ جامعه مدنی اسلامی

در بحث قرارداد اجتماعی، همواره این سؤال مطرح است که آیا واقعاً در یک زمان مشخص، گروهی مشخص از افراد دور هم جمع شدند و در طی قراردادی، حاکمی معین کردند و دولتی تشکیل دادند؟ در مورد جامعه مدنی اسلامی می‌توان این ادعا را مطرح کرد که تشکیل حکومت اسلامی در یثرب در زمان پیامبر، یکی از نمونه‌های مستند تاریخی شکل‌گیری جامعه مدنی بر اساس یک قرارداد اجتماعی است. (سپهر، ۱۳۷۷، ۷۰) قبل از اسلام به دلیل نزاع‌های تاریخی بین اوس و خزرج و اختلاف با یهودیان، امکان برقراری امنیت و تقسیم‌کار قبیله‌ای در سرزمین یثرب وجود نداشت. در این شرایط، نمایندگان گروه‌های مختلف بدین اندیشه رسیدند که یک نظام حکومتی واحد و حاکمی مورد قبول همه گروه‌های اجتماعی برگزینند. براین اساس، ملاقات زائران یثربی کعبه با پیامبر اسلام، اوج نمایش نظریه قرارداد اجتماعی در یک پیمان‌نامه عمومی است که بین همه قبایل و پیامبر اسلام منعقد شد و بعضی آن را اولین قانون اساسی اسلام نامیدند. (سبحانی، ۱۳۶۷، ۴۵۰) با گسترش اسلام و به ویژه در دهه‌های اخیر، رابطه و حریم «جامعه مدنی» و «جامعه اسلامی» به مناقشه‌ای دامنه‌دار میان اندیشمندان دینی بدل شد. برخی از دین‌باوران در چارچوب نگاه تکلیفی به انسان، بسیاری از خواست‌های مدنی که منطبق با شریعت و ارزش‌های اسلامی نیست، را به رسمیت نمی‌شناسند. در مقابل گروهی از نوگرایان دینی، تأکید بر ارزش‌های دینی را تلاشی در تقابل با کثرت‌گرایی و عاملی برای ایجاد وحدت تعبیر می‌کنند. وحدتی که بر اساس تعامل شکل نگرفته، بلکه مبنای آن باورها و اعتقادات یکسان است. با این وجود، چنین به نظر می‌رسد که نقطه پیوند اندیشه‌های مختلف دینی، اذعان به وجود مبانی و بنیان‌های مشترک میان جامعه دینی و جامعه مدنی است.

۲-۱-۲ جامعه مدنی در ایران

جامعه مدنی به مفهوم سامان و زندگی سیاسی - اجتماعی، ردپایی دوری در تاریخ ایران

ندارد. به گواه تاریخ، در دوره قاجار گردهمایی‌های مدنی، فرهنگی و اجتماعی بسیاری نظیر؛ «نهضت شعوبیه، نهضت اخوان الصفا، اصحاب سراچه، انجمن اخوت، تشکیلات عیاران، اقلیت‌های مذهبی، هیأت‌های تعزیه، تشکل‌های صنفی و ...» در جامعه ایرانی وجود داشته که در ظرفیت جامعه مدنی، از خانواده و دولت مستقل بوده‌اند. (امین، ۱۳۷۶، ۵۶ و ۵۵) با این وجود، مشروطه‌خواهی نقطه عطفی در سامان مدنی کشورمان محسوب می‌شود و انقلاب مشروطه را می‌توان سنگ بنای جامعه مدنی در ایران دانست.

انقلاب مشروطه نظم مبتنی بر خیر در جامعه پدرسالار ایرانی را به چالش کشید و دوران جدیدی در تحولات سیاسی - اجتماعی این سرزمین پدید آورد که بررسی و درک کنش‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی، بدون توجه به وقایع آن مقطع امکان‌پذیر نیست. تحت تأثیر انقلاب مشروطه، برای اولین بار در ایران یک دولت نیمه‌مدرن با قوه قانونگذاری و قوه قضاییه (عدالت‌خانه) شکل گرفت؛ اقتصاد کشور به تدریج از وضعیت کشاورزی سنتی به اقتصاد نیمه صنعتی - خدماتی متمایل گشت؛ نظام قشربندی‌های اجتماعی با پیدایش طبقات جدید گسترش یافت و نظام آموزشی از انحصار افراد، شیوه‌ها و روش‌های سنتی خارج شد و جای خود را به نظام آموزش عمومی و عالی داد. همچنین، با تدوین اولین قانون اساسی ایران، مقرراتی برای دولت و سایر ارگان‌های تابع آن تدوین شد و چارچوب و بستر شکل‌گیری یک جامعه مدنی پویا فراهم شد که تا به امروز، نقش‌ها و کارکردهای تخصصی آن در حال گسترش و تکمیل است. متمم قانون اساسی مشروطه از این نیز فراتر رفت و با افزودن بندهایی نظیر؛ مصونیت جانی و مالی شهروندان، برابری همه در برابر قانون، پشتیبانی از آزادی و حقوق شهروندان، آزادی مطبوعات (بجز کتب گمراه‌کننده و ضد دین)، آزادی اجتماعات و انجمن‌ها (به شرط آنکه مخل نظم و عامل آشوب دینی و دینوی نباشد)، تفکیک قوا و برپایی انجمن‌های ایالتی و ولایتی و ... بازیگری نهادهای جامعه مدنی در معادلات سیاسی - اجتماعی را امکان‌پذیر کرد. (دسترسی ۱۳۹۹/۵/۲۶)

چنین انتظار می‌رفت که در پرتو تحولات مشروطه، جامعه‌ای قانون‌مند و مدنی پایه‌گذاری شود، ولی در عمل یک جامعه مدنی نیم‌بند پا گرفت که در نبود بسترهای لازم، واگرایی سیاسی - اجتماعی و تعمیق شکاف سنت - مدرنیسم را برای جامعه ایرانی به ارمغان آورد. تنها کمتر از دو سال بعد از استقرار نظام مشروطه، مجلس به دستور محمدعلی شاه به توب

بسته شد و با برکناری وی به دست آزادی خواهان، واگرایی سیاسی در جامعه بالا گرفت. (سردارنیا، ۱۳۸۸، ۷۴ و ۷۵)

با ورود ایران به صورتبندی سرمایه داری به واسطه نوسازی در عصر پهلوی، شکاف های اجتماعی و طبقاتی دیگری نیز بر این ساختار حمل شد. حمایت دولت رانتیر از فعالیت های تجاری، باعث بروز شکاف میان اقسام سرمایه داری تجاری، مالی، صنعتی و ارضی شد. علاوه بر آن، مقابله دولت پهلوی با نیروهای اجتماعی سنتی از جمله روحانیت، عشایر و بازار و حمایت از فرایندهایی که به پیدایش نیروهای اجتماعی مدرن انجامید، طبقات و نیروهای سنتی و مدرن را در مقابل هم قرار داد. (بشیریه، ۱۳۸۱، ۱۲)

نتیجه اینکه، ایران عصر پهلوی به عنوان جامعه ای نیمه سنتی - نیمه مدرن و در حال گذار، از شکاف های متعدد اجتماعی رنج می برد که اثرات آن تا به امروز گریبان گیر جامعه ایرانی است. از یک سو شکاف های قومی، نژادی، زبانی و فرهنگی مربوط به جامعه سنتی کم و بیش فعالند و از سوی دیگر جامعه از شکافی عمیق تر و اساسی تری رنج می برد که ناشی از دویاره گی گفتمان سنت و مدرنیسم است.

۲-۲ سیاست کوانتومی^{۱۰}

علی رغم اینکه برخی از اندیشمندان علوم سیاسی همچنان در مورد آمیخته گی حوزه های مختلف دانش نظیر علوم سیاسی با فیزیک کوانتوم تردید دارند، ولی نمی توان انکار کرد که در دهه های اخیر، متغیرهای کوانتومی در حوزه های مختلف دانش سیاسی به ویژه روانشناسی سیاسی برای تشریح دیدگاه ها و پارادایم های جدید مورد توجه جدی قرار گرفته است. بر اساس این منطق، ظهور اندیشه های پست مدرن در دهه های گذشته و گرایش اندیشمندان علوم اجتماعی به روش هایی نظیر هرمنوتیک، گفتمان، زبان و روش شناسی پسارفتارگرایی و پساساختارگرایی، پاسخی به ناکارآمدی روش شناسی پوزیتیویستی و نگرش سیستمی و خطی مبتنی بر پیش بینی، رابطه علت و معلولی صرف، فضا و زمان دو بعدی، جبر سیاسی، ساختار، تعامل، نظم، حاکمیت و امثالهم در تحلیل پدیده های سیاسی و اجتماعی بوده است. (Walker, 1991, p.459) اما، رویکردهای تفسیری در اندیشه پست مدرن نیز، ضمن تأیید عدم اطمینان در رفتار انسان و حتی رفتارهای جمعی، فاقد وضوح کافی برای اقدامات تجویزی و پیش بینی است. بنابراین، در سه دهه گذشته، این روند با توسعه

فناوری‌های ارتباطی و ظهور کنشگران فروملی در ظرفیت کنشگری فراملی وارد مرحله جدیدی شد و «سیاست کوانتومی» به معنی «تحلیل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی در قالب متغیرهای کوانتومی» مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت.

در عین حال، از منظر فلسفی «سیاست کوانتومی» مفهوم جدیدی نیست و قدمتی برابر با تاریخ اندیشه سیاسی دارد. چنین استدلال می‌شود که فیزیک کوانتومی با ویژگی‌هایی نظیر کل‌گرایی، عدم تعین و مکمل بودن، شباهت‌های زیادی با مبانی فلسفه شرقی دارد. (Becker, 1991, p.181-182) اما بدون شک، آمیخته‌گی سیاست با فیزیک کوانتوم، در سال‌های اخیر و با گسترش فناوری ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی رقم خورده است. به تعبیر دیگر، ماهیت غیرقابل پیش‌بینی و درهم تنیدگی و غیرجایگزیدگی سیاست، این علم را مناسب برای ترکیب با نظریه کوانتوم که ماهیتی مشابه دارد، کرده است.

در منطق سیاست کوانتومی، بسیاری از تحولات سیاسی - اجتماعی در پیرامون ما، ماهیتی کوانتومی دارند. بر اساس فیزیک کوانتوم، ذرات می‌توانند به طور همزمان در دو بعد و یا حتی چندبعد حرکت کنند. تا پیش از این، این پدیده در حوزه سیاسی و اجتماعی قابل تصور نبود، تا اینکه فضای مجازی نشان داد که مردم همزمان با زندگی در چند جهان، از طریق تلفن همراه تصاویر و دنیای مختلف را تجربه می‌کنند. ما با دستگاه‌های کوانتومی نظیر ترانزیستورهای داخل رایانه‌ها و تلفن‌های همراه، سیستم‌های جهت‌یابی، دستگاه‌های پزشکی و غیره احاطه شده ایم، ابزارهایی که هوشمندانه از خصوصیات کوانتومی استفاده می‌کنند. (دسترسی ۱۳۹۹/۶/۲۰) بر این اساس، پیچش‌های سیاسی غیرمنتظره مانند برگزیت و یا پیروزی آقای ترامپ در انتخابات سال ۲۰۱۶ در آمریکا از مظاهر سیاست کوانتومی است.

بنابراین، ابرجایگزیدگی^{۱۱}، درهم تنیدگی، عملکرد شبح‌وار از ویژگی‌های دنیای جدید است. در سیاست کوانتومی، احزاب سیاسی، نهادها، گروه‌ها و تشکلهای اهمیت کمتری نسبت به جنبش‌های مردمی، باورها، ارزش‌ها و اعتقادات، ارتباط عاطفی و تأثیر رسانه‌های اجتماعی دارند. در عین حال، دنیای کوانتومی بسیار نامطمئن و بهم پیوسته است و بسته به ذهنیت کنشگر کوانتایی می‌تواند تغییر کند. چیزی که این وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند، عدم قطعیت در وضعیت است که باعث ناپایداری و تشدید تضاد میان عینیت و ذهنیت می‌شود.

در واقع، اکنون ما در دوره عدم اطمینان، غیرقابل پیش‌بینی بودن، تغییرات سریع، پیچیدگی و بهم پیوستگی زندگی می‌کنیم.

۲-۳ علوم اجتماعی کوانتومی^{۱۲}

علوم اجتماعی کوانتومی یک مفهوم در حال بسط میان‌رشته‌ای است که بین فیزیک کوانتوم و علوم اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند. هرچند در مورد مفهوم علوم اجتماعی کوانتومی اتفاق نظر حاصل نشده، ولی می‌توان گفت که علوم اجتماعی و به ویژه شاخه‌هایی نظیر روانشناسی اجتماعی، مدت‌هاست که از علم کوانتوم الگو می‌پذیرند. در عین حال، در مورد این مسئله که آیا پدیده‌های اجتماعی به طور ذاتی «ماهیت کوانتومی» دارند و یا اینکه در یک روند و فرایند کوانتومی اتفاق می‌افتند، میان جامعه‌شناسانِ قائل به نظریه کوانتومی اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی در این امر اتفاق نظر حاصل است که علوم اجتماعی مبتنی بر جهان بینی کلاسیک، باید منطبق با آموزه‌های کوانتومی بروز رسانی شود. (دسترسی ۱۳۹۹/۶/۱۹)

در علوم مکانیکی یا پیش‌کوانتومی، ذرات ماده اجزای منفک از هم هستند که صرفاً به صورت مکانیکی با یکدیگر تماس دارند؛ در حالی که در مکانیک کوانتوم، ذراتی مانند الکترون از خاصیت درهم پیچیدگی برخوردارند که اندازه‌گیری یکی از آنها، بلافاصله بر وضعیت دیگر ذرات اثر می‌گذارد. با همین منطق، در علوم اجتماعی کوانتومی افراد جامعه ارتباطات اجتماعی درهم پیچیده‌ای با یکدیگر دارند؛ این ارتباطات، مجموعه درهم تنیده‌ای از ویژگی‌های مشترک فرهنگی، زبانی، تمدنی، نژادی و ... را در خود دارد که از طریق فیزیکی یا مجازی، بدون محدودیت زمانی مکانیکی با هم مرتبط هستند و شکل نوینی از سامان اجتماعی را شکل می‌دهند. (Wendt, 2015, p. 35)

برخی جامعه‌شناسان با الهام از نظریه ذهن کوانتومی، بر این باورند که مغز انسان ساختاری کوانتومی دارد و در نتیجه کلیه فعل و انفعالات انسانی در بستری کوانتومی پردازش و اجرا می‌شود؛ برخی نیز صرفاً بر قابلیت مغز برای استفاده از متغیرهای کوانتومی در فعالیت و کنش‌های اجتماعی تأکید دارند. در هر صورت، در علوم اجتماعی کوانتومی حالات ذهنی انسان به عملکرد تابع موج در فیزیک کوانتومی تشبیه می‌شود که در یک تکرانه، می‌تواند نوسانات متعددی را تجربه کند و قضاوت‌ها و تصمیمات متعددی را اتخاذ

نماید. (دسترسی ۹۹/۶/۱۷) آقای آندرو شنگ در مقاله «چشم‌انداز جدید برتون وودز برای معاملات جدید جهانی»، همین ایده را به موضوعاتی از قبیل تئوری بازی کوانتومی، تئوری تصمیم کوانتومی، امور مالی و اقتصاد کوانتوم تعمیم می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که یک الگوی کوانتومی مالی و اقتصادی به آرامی در حال ظهور است که ماهیت غیرخطی و پیچیده آن ممکن است به طراحی اقتصاد و مالیه آینده جهان منجر شود. (Sheng, 2019, p. 362)

۲-۳-۱ پارامترهای کوانتومی در تحلیل جامعه مدنی

براساس مفاهیم ارائه شده از «سیاست کوانتومی» و «علوم اجتماعی کوانتومی»، چنین به نظر می‌رسد که تحلیل پدیده‌های اجتماعی براساس پارامترهای کوانتومی شامل؛ «غیرجایگزیدگی، اصل عدم قطعیت، زمان‌کندگی کوانتومی، درهم‌تنیدگی، آگاهی کوانتومی، ارتباطات شبکه‌ای و تصادف و احتمال» می‌تواند تصویر روشنی از واقعیت‌های اجتماعی و وضعیت جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ترسیم کند که در زیر به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱) خاصیت غیرجایگزیدگی^{۱۳}:

در فیزیک کوانتوم، ما با کلیتی غیرقابل تقسیم رو به رو هستیم که عناصر آن جدایی‌ناپذیر و در ارتباط با هم است. در نتیجه، قطعیتی در مکان و دیگر ویژگی‌های ذره وجود نداشته و ذره خاصیت غیرجایگزیده دارد و احتمال حضور و وقوع آنها در تمامی مکان‌ها هست. در حالی که در منطق فیزیک نیوتنی، جهان هستی به دلیل زمان‌مند و مکان‌مند بودن، قابل اندازه‌گیری است و رفتار پدیده‌ها دترمینیستی است. (کراپر، ۱۳۸۷، ۳۳۵) در تحلیل جامعه‌شناختی پدیده‌ها نیز خاصیت غیرجایگزیدگی اهمیت قابل توجهی دارد. در دنیای امروز، متغیرهای غیرمادی نظیر مذهب، فرهنگ، هنر، اخلاق، حقوق بشر و ... بر کوانتومی شدن معادلات شتاب بخشیده و بر افراد بجای دولت‌ها متمرکز هستند. (میرمحمدی، ۱۳۸۹، ۱۱۲)

۲) تصادف و احتمال^{۱۴}:

براساس این پارامتر کوانتومی، احتمال حضور و کنشگری در هر زمان و مکان وجود دارد. این حالت، در تقابل با وضعیت کلاسیک اجتماعی است که کنشگران، در موقعیتی جایگزیده کنشگری می‌کنند و پیش‌بینی رفتار آنها در زمان‌های مختلف، بر مبنای مدل‌سازی‌های اجتماعی امکان‌پذیر است. پارامتر احتمال کوانتومی در جمهوری اسلامی در کردار و گفتار

روزانه دولت قابل مشاهده است. بدین معنا که هر تصمیم و یا گفتار دولت، ممکن است تبعات ناخواسته مثبت و یا منفی را به دنبال داشته باشد و جامعه تحت تأثیر عوامل پیش‌بینی نشده و خارج از اراده دولت قرار گیرد.

(۳) اصل عدم قطعیت^{۱۰}:

بر اساس این اصل که با نام هیزنبرگ^{۱۶} فیزیکدان آلمانی گره خورده است، وقایع آتی را نمی‌توان با اطمینان پیش‌بینی و هدف‌گذاری کرد. بر این اساس، هر کنشگر در موقعیت‌های مختلف، در نقش‌ها و هویت‌های متفاوت و گاهاً متعارض ظاهر می‌شود و کنشگری می‌کند؛ بنابراین، رفتار کنشگران از قطعیت و جزمیت برخوردار نیست.

(۴) زمان‌کندگی:

ویژگی دیگر نظریه کوانتومی، اشاعه و گسترش تحولات اجتماعی در زمانی واحد در جوامع مختلف است. امروز، تقریباً تمامی کشورهای جهان فارغ از وضعیت و سطح توسعه‌یافتگی، ظرفیت صنعتی، ثروت ملی، قدرت نظامی و ... تحولات را همزمان تجربه می‌کنند. بروز یک تحول در نقطه‌ای از جهان به سرعت به سایر نقاط دنیا گسترش می‌یابد و یک پدیده محلی، از این ظرفیت برخوردار است که تبدیل به یک پدیده جهانی شود. (میرمحمدی، ۱۳۸۹، ۱۱۲) قتل رومینا اشرفی دختر سیزده ساله‌ای در روستای سفیدسنگان لمبر شهرستان تالش به دست پدرش در اول خردادماه ۱۳۹۹، بیانگر مفهوم کوانتومی زمان در تحولات اجتماعی و مدنی است. به طوری که در فاصله زمانی یک هفته، یک اتفاق ناگوار در یک روستای کوچک، تبدیل به یک جریان ملی و موضع‌گیری در بالاترین سطوح کشوری می‌شود و طرح لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت در مجلس شورای اسلامی در اولویت بررسی قرار می‌گیرد.

(۵) درهم‌تنیدگی:

جوامع آنارشیک دولت‌محور، درحال جایگزینی با سامان مدنی جدیدی متشکل از بازیگران متنوع و گسترده غیردولتی، فروملی و فراملی با منافع متنوع و متضاد است. ازجمله ویژگی‌های وضعیت جدید، غیرسرزمینی شدن تحولات اجتماعی، تمرکززدایی از اقتدار دولتی و تکرر در تدبیر امور جهان است. این درهم‌تنیدگی و فشردگی جهان معاصر موجب شده تا دیگر نسخه‌های سیاست کلاسیک و سنتی، قادر به تحلیل و تبیین پدیده‌های نوین

سیاسی و اجتماعی نباشند. توافق برجام (فارغ از ملاحظات سیاسی) در ظرفیت یک موضوع بین‌المللی، در قالب مذاکرات میان ایران و شش قدرت برتر نظام بین‌الملل، با تغییر مدیریت در سوی دیگر دنیا در واشنگتن، معادلات سیاسی و اقتصادی ایران به کلی دگرگون شد و مشکلات عدیده‌ای دامن‌گیر جامعه ایرانی شد.

۶) ارتباطات شبکه‌ای:

در مکانیک کوانتومی، ذرات در ساختاری شبکه‌ای، وابسته به یکدیگرند و نظام‌های چندذره‌ای به مثابه یک کل عمل می‌کنند و هیچ ذره‌ای مستقل از ذرات دیگر نیست. (Beck- 1991, p.145) وابستگی روزافزون به تکنولوژی ارتباطی و استفاده از فضای مجازی و اجتماعی، باعث ایجاد شبکه‌ای در هم‌تنیده از کنشگران فروملی، ملی و فراملی شده است. (محمودی کیا ۱۳۹۶، ۲۱۸) به طوری که نمی‌توان با تمرکز بر هستی‌شناسی منفرد کنشگران، به نحوه رفتار آنها پی برد.

۳. روش تحقیق

با تکیه بر این اصل که هیچ یک از روش‌های تفسیری، تفهیمی، توصیفی و یا گفتمانی، به تنهایی از این امکان برخوردار نیستند که ابعاد مختلف و پیچیده منطق امروز تحولات اجتماعی و وضعیت جامعه مدنی را به توان در قالب آن تبیین و تشریح کرد، در مقاله حاضر، با تکیه بر پارادایم جدید جامعه‌شناسی و تأثیر کنشگرهایی جدید در عرصه‌های فروملی و فراملی بر زندگی مدنی، و همچنین اثرگذاری فناوری‌های نوین ارتباطی بر کنش‌های اجتماعی، یک رویکردی فرارشته‌ای و تلفیقی از روش‌شناسی توصیفی - تفهیمی - گفتمانی برای تحلیل وضعیت جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

برای گردآوری داده‌ها، از شیوه تحقیق کتابخانه‌ای، مطالعه اسنادی و اینترنتی استفاده شده است. همچنین، تمرکز پژوهش با توجه به موضوع این مقاله، در دوره جمهوری اسلامی با محوریت دو دهه اخیر است که فناوری‌های ارتباطی و شبکه‌های مجازی نقش غیرقابل انکاری در برساخت سازی جامعه مدنی عهده‌دار شده‌اند.

۴. جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران

می‌توان اذعان داشت که انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، پاسخی به بحران‌های ناشی از سیاست‌نوسازی دوره پهلوی بود؛ به طوری که تحت تأثیر انشقاق نیروهای اجتماعی سنتی و جدید، و حمایت فزاینده قدرت پاتریمونیال از نیروهای اجتماعی مدرن، جریان انقلاب در بین طبقات سنتی و ماقبل سرمایه‌داری و توده‌های گسیخته شهری از حمایت بسیار گسترده‌ای برخوردار شد و با پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان انقلابی به صورتی فراگیر بر حیات مدنی جامعه مستولی شد.

با تکیه بر همین سرمایه اجتماعی، ویژگی‌های محوری جهان‌بینی جمهوری اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب، کوشش برای ایجاد همبستگی جدید یا احیای همبستگی سنتی، احساس ناامنی نسبت به مدرنیسم و سرمایه‌داری مدرن، لزوم بازگشت به اسلام ناب محمدی، تأکید بر هویت سنتی، ایجاد یکپارچگی اجتماعی، حمله به مظاهر تمدن مدرن و حمله به لیبرالیسم غربی تبیین شد و بر تحت تأثیر آن، جامعه دینی در جمهوری اسلامی مفهومی به مراتب موسع‌تر از جامعه مدنی برخوردار شد و اندیشه مردم‌سالاری دینی به عنوان زیربنای جامعه مدنی ایران در متن قانون اساسی مورد توجه قرار گرفت.

در دو دهه اول انقلاب اسلامی، عوامل متعددی نظیر؛ «روحیه انقلابی بخش مهمی از جامعه، جنگ و سیاست مقابله با توطئه‌های برون مرزی، تعمیق مبارزه با غرب و استکبار جهانی، تحریم‌های بین المللی و امثالهم»، سبب هژمونیک ماندن گفتمانی شد که خواستار تفوق جامعه دینی در زندگی مدنی ایرانی بود؛ ولی در طی زمان، بخشی از جامعه بخصوص قشر جوان که حال و هوای انقلاب و دوره جنگ را تجربه نکرده بود، به گفتمان‌های رقیب تمایل شد و یکپارچگی اجتماعی که از دستاوردهای انقلاب بود، به مرور با چالش‌های متنوعی مواجه شد. بدین ترتیب، عده‌ای از افراد و گروه‌ها در طی زمان بین اندیشه مردم‌سالاری (جمهوریت) و خداسالاری (اسلامیت) قائل به تفکیک شدند و دست برتر را به جمهوریت نظام دادند.

در دوره دولت اصلاحات در اوایل دهه سوم انقلاب و با تأکید جنبش اصلاحات بر آزادی‌های سیاسی و جامعه مدنی، مباحث نوینی در قالب حقوق سیاسی شهروندی مطرح شد که با توجه به فضای دو قطبی جامعه مدنی، مطالبه‌گری‌های جدید در وادی عمل، باعث

تشدید شکاف‌های اجتماعی در عرصه اجتماعی شد.

در مجموع، می‌توان اذعان کرد که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تعریف و تبیین رابطه و تناسب جامعه مدنی و جامعه دینی از جمله مسائلی بود که در تار و پود مشکلات سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی دولت‌های مختلف، کمتر مورد توجه قرار گرفت؛ به طوری که در برهه‌هایی جامعه دینی اساس و مبنای جامعه مدنی تعریف شد و در مقاطعی نیز جامعه مدنی و رای اندیشه دینی و به عنوان مبنای حقوق شهروندی مورد مطالبه‌گری قرار گرفت.

این وضعیت، در دو دهه اخیر و تحت تأثیر جهانی شدن و توسعه فناوری‌های ارتباطی، ظهور شبکه‌های اجتماعی و گسترش فضای مجازی و کنشگرهای جدید در عرصه‌های فروملی و فراملی، ابعاد جدیدی به خود گرفته است. به طوری که می‌توان اذعان داشت که شکاف میان گفتمان سنتی و مدرن، و همچنین شکاف و تقابل تمدنی و فرهنگی میان سه ضلع اسلام، ایرانیت و تجدد در حال افزایش است؛ تضادها و پاره‌گی‌های اجتماعی تشدید شده و وضعیت بی‌هنجاری بیش از هر زمان دیگری و در جامعه ایرانی قابل مشاهده است. به تبع آن، وضعیت جامعه مدنی در یک نموداری سینوسی قابل تحلیل و بررسی است که حکایت از فقدان بسترهای سیاسی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و قانونی لازم برای نهادینه شدن دارد.

۵. تأثیرات جهانی شدن بر جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران

بر اساس نظریه کوانتومی آشوب و تئوری اثر پروانه‌ای ادوارد نورتن لورنز^{۱۷} آمریکایی، تغییر جزئی در شرایط اولیه می‌تواند منجر به نتایج وسیع و پیش‌بینی‌نشده‌ای در برون‌داد سیستم شود و به دلیل غیرجایگزیده بودن پدیده‌ها، تأثیرات متواتر و دومینو شکلی را ایجاد کند. در نتیجه، رفتار ساختارها و سیستم‌های جهانی نظیر نظام بین‌الملل عملاً پیش‌بینی‌پذیر نیست، مگر آن که تمام سطوح زیرسیستمی به طور مستمر رصد شوند که با توجه به عوامل و متغیرهای ناشناخته متعدد در این سطوح، این امر امکان‌پذیر نیست.

با وجودی که لورنز این تئوری را برای تشریح ماهیت سیستم جهانی و نظام بین‌الملل ارائه کرد، ولی با توجه به غیرجایگزیده بودن و زمان‌کندگی و ارتباطات شبکه‌ای کنشگران،

امروزه قواعد محیط داخلی منطبق با محیط بین‌المللی است؛ در نتیجه، با کمک تئوری اثر پروانه‌ای، به خوبی می‌توان شرایط اجتماعی و وضعیت جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران را تشریح و واکاوی کرد. در واقع، فیزیک کوانتوم می‌تواند به ما کمک کند تا درک بهتری از یکی شدن محیط داخلی و بین‌المللی داشته باشیم. بر این اساس، وجوه مشترک زیادی میان جامعه مدنی و جهان کوانتومی وجود دارد؛ در هر دو محیط، نوعی عدم قطعیت، درهم تنیدگی، ارتباطات شبکه‌ای، زمان‌کندگی، تصادف، احتمال و غیرجایگزیدگی مشاهده می‌شود که با واژه «نظم انتقادی»^{۱۸} می‌توان آن را توصیف کرد. (Kazemi, 2015, P. 95)

علاوه بر آن، خصوصیات ذهنی و رفتاری افراد به عنوان زیربنای جامعه مدنی نیز در قالب تئوری اثر پروانه‌ای قابل تحلیل و واکاوی است. بر این اساس، اقدامات کوچک یا تجارب ذخیره شده در ناخودآگاه ذهن، می‌تواند از طرق غیرمنتظره بر رفتار فرد کنشگر تأثیر بگذارد و انعکاس‌های محیطی را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، ذهنیت افراد تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر باورهای ارزشی و اعتقادی، طبقه، نژاد، وراثت، جنسیت، آموزش، قومیت و ... قرار داشته و این وضعیت اصل درهم تنیدگی - به عنوان یکی از شاخصه‌های کوانتومی - را با اهمیت‌تر می‌کند. در عین حال، این تحلیل در چالش با برخی تئوری‌های مطرح نظیر تئوری‌های انگیزش کاری^{۱۹} در روانشناسی اجتماعی است که بر اصل رفتارهای قابل پیش‌بینی برای دریافت پاداش بنا شده است. (Smith, 1998, p. Abstract)

بنابراین، بر اساس منطق کوانتومی در حوزه علوم اجتماعی، چنین استدلال می‌شود که نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در یک جامعه، کاملاً از یکدیگر متأثر شده و تحول در یک حوزه، به سرعت به سایر جوامع و حوزه‌ها سرایت می‌کند و تغییری کوچک، ممکن است تحولات مهم و دنباله‌داری را پایه‌گذاری کند. در عین حال، وقایع و بحران‌های سیاسی - اجتماعی غیرقابل پیش‌بینی بوده و جلوگیری از آن دشوار است. متأثر از شرایط غیرقابل پیش‌بینی، پاسخ به هر محرک ممکن است طیف وسیعی از احتمالات را در خود داشته باشد و نتایج ناخواسته‌ای ایجاد کند. بنابراین، نمی‌توان یک قانون را با اطمینان به سایر شرایط مشابه تعمیم داد؛ در نتیجه، سیستم مبتنی بر نظم شکننده‌ای است که ممکن است با کوچکترین محرک، ویران شود و در یک واکنش زنجیره‌ای، بی‌ثباتی کل سیستم را به دنبال داشته باشد.

با همین منطق، می‌توان تحلیلی جامع و دقیق‌تری در مورد رخدادهای سیاسی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ارائه داد و تبیین کرد که چرا کنش‌های رفتاری در جامعه مدنی، به شکلی آشوبناک در امتداد خطوط همکاری و ستیز پیش می‌روند و وضعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی و غیرجایگزیده‌ای را رقم می‌زنند.

چنین به نظر می‌رسد به میزانی که شیوه‌های نوین مشارکتی در بستر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد، از نقش‌آفرینی خانواده، دولت، نظام آموزشی، گروه‌های همسالان، گروه‌های مذهبی و ... کاسته می‌شود و کنش رفتاری و جامعه مدنی با پارامترهای جدیدی در حال شکل‌گیری است. امروز فضای مجازی به اندرونی خانواده ایرانی راه پیدا کرده و برداشت مخاطب ایرانی از فرای مرزهای ملی دستخوش تغییر شده است؛ به طوری که بی‌تردید، فضای مجازی پرچم‌دار بسیاری از تحولات اجتماعی و حتی ناآرامی‌های سال‌های اخیر در جامعه ایران بوده است.

تحلیل کوانتومی جامعه مدنی در جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر، تحت تأثیر «ابزارهای نوین ارتباطی، ارتباطات شبکه‌ای، خاصیت غیرجایگزیدگی، عدم قطعیت و درهم‌تنیدگی»، سطح بازیگری کنشگران فروملی و ملی، تغییرات و نوسانات زیادی را تجربه کرده است. به طوری که، «ارتباطات شبکه‌ای»، فعالیت‌های دولت به عنوان عنصر تاریخی مسلط دنیای ایرانی را زیر ذره‌بین جامعه برده است. درعین حال، بخشی از جامعه مدنی نوپای ایرانی با فاصله‌پذیری از سنت‌ها و ارزش‌های کهن دینی و اجتماعی، بر «غیرجایگزیدگی» پای می‌فشارد. در نتیجه، کنشگری در جامعه ایرانی ممکن است در هر «زمان و مکان» و با هر بهانه‌ای، از طریق فناوری‌های ارتباطی جهانی شود و تبعات مترتب به آن در قالب «تصادف و احتمال» قابل بررسی است.

در واقع، جامعه مدنی ایران، این مجال را یافته تا در ظرفیتی جدید نقش‌آفرینی کند. در این میان، توسعه فناوری‌های ارتباطی نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز این وضعیت داشته و شیوع COVID-19 نیز این روند را تسریع کرده است. به طوری که تعداد کل کاربران اینترنت در ایران بالغ بر ۷۳ درصد کل جمعیت کشور و ۹۴ درصد از کل جمعیت فعال کشور است؛ در حالی که بیست سال پیش (۱۳۷۹)، تعداد کاربران اینترنت در ایران حدود ۶۵۰ هزار نفر بود. (دسترسی ۹۹/۶/۱۴) بر اساس آمار تیرماه ۱۳۹۸ ایسپا، حدود ۷۰ درصد

از مردم ایران حداقل از یکی از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. تنها در شبکه پیام‌رسان واتس‌آپ، حدود ۴۳ درصد از جمعیت کشور فعالیت روزانه دارند و ایران رتبه هفتم در میان کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است؛ پس از آن، شبکه تلگرام با جذب ۴۲ درصد و اینستاگرام با جذب ۴۰ درصد از جمعیت ایران، در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. (دسترسی ۹۹/۶/۱۹)

۶. نتیجه‌گیری

در سیر تاریخ سیاسی ایران، به دلایل مختلف (کمبود آب و وسعت زمین، وجود ایلات و عشایر، فرهنگ سیاسی استبدادی و غیره) نظم اجتماعی خودسامانی که از واحدهای کوچک اجتماعی ناشی گردد، به وجود نیامد و نهاد دولت به مثابه اولین نهاد اجتماعی فراگیر نمو یافت و در راستای منافع یکسویه خود، به تدریج نهادهای دیگر اجتماعی را به وجود آورد. به همین دلیل، گروه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی، حقوقی، قضایی هر کدام بازتاب منافع دولت در جامعه سیاست‌محور شدند و تمام طبقات و گروه‌ها و سازمان‌ها و نهادها در یک رابطه عمودی (فراستی دولت و فرودستی جامعه) با دولت قرار گرفتند.

به تعبیری، جهان زیست ایرانی با محروم بودن از فرایندهای کنش ارتباطی، به استثمار لویاتان دولت درآمد و در نتیجه منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن به صورت متصلب عمل کرده و از عقلانی شدن باز ماند. بدین ترتیب، در ساختاری خویشاوندگرا که دستگاه دیوان‌سالار موقعیتی استیلایی بر نظام اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشت، کنش ارتباطی و بازآفرینی اجتماعی محقق نشد.

در عین حال که این ساختار دو هزار ساله، با پیروزی انقلاب مشروطه و شکل‌گیری نهادهای مدنی و دموکراتیک به چالش کشیده شد، ولی دیرینگی نظام سلطانی بر ذهن و زبان و رفتار ایرانی، مانع از آن شد که مشروطه بتواند یک نظام سیاسی - اجتماعی جدید مستقر کند؛ در نتیجه، جنگ جهانی اول بهانه‌ای برای بازگشت اقتدار سنتی به سرزمین ایران شد و با به قدرت رسیدن رضاشاه و تأکید سلطه پاتریمونیال بر مدرن‌سازی جامعه ایرانی، شکاف دین و دولت را در صدر شکاف‌های مذهبی، قومی، نژادی، زبانی و تمدنی (اسلامی،

ایرانی، غربی) قرار داد و تضادِ عینیت و ذهنیت و همچنین تضاد سنت و نوگرایی، جامعه ایرانی را دوپاره کرد.

و اما، آنچه امروز جامعه ایرانی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و در این تحقیق بر اساس تحلیل کوانتومی جامعه مدنی مورد توجه است، پدیده جهانی شدن و توسعه فناوری‌های ارتباطی، و متأثر از آن تغییر پارادایم جامعه‌شناسی، ظهور بازیگران جدید و در نهایت، نقش‌آفرینی کنشگران فروملی در میدان‌های جدید کنشگری نظیر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است.

واقعیت این است که پروسه جهانی شدن، دنیا را به مکان شگفت‌انگیزی بدل کرده که همزمان، فرآیندهای همگرایی و روندهای واگرایی در حال تحقق است. امروز جهانی شدن، اطلاعات را به کالایی تبدیل کرده که به کمک فناوری می‌تواند در دسترس همگان قرار گیرد و فرهنگ‌های گوناگون را با یکدیگر مرتبط سازد. به تعبیر آنتونی گیدنز^{۲۰}، ارتباطات الکترونیکی باعث «کش آمدن روابط اجتماعی در طول زمان و مکان» شده که از جاکندگی مردم از محل‌های واقعی‌شان را موجب شده است.

در این شرایط، جایگاه و موقعیت دولت با تغییر و حتی دگرگونی مواجه شده و تعامل دولت با جامعه نیازمند بازنگری جدی است؛ ساختار نیمه سنتی - نیمه مدرن جامعه ایرانی، ورودی جدید در عرصه‌های مختلف سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ را تجربه می‌کند. بر این اساس و با بهره‌گیری از پارامترهای تحلیل کوانتومی، می‌توان ادعا کرد که شیوه‌های نوینی از مشارکت سیاسی - اجتماعی در جامعه ایرانی، با نقش‌آفرینی کنشگران فروملی در بستر فضای مجازی در حال شکل‌گیری است که به دلیل غیرجایگزیده بودن پدیده‌ها و تحولات، انتظار می‌رود به تدریج تغییرات دنباله‌داری را در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد کند.

این جریان سیال در حال هدایت جامعه ایران به سواحل جدیدی است که با نظام ارزشی مردم این سرزمین فرسنگ‌ها فاصله دارد. در واقع، این وضعیت به معنای شکل‌گیری یک جامعه مدنی مشارکتی و پویا نیست. واقعیت این است که خاصیت غیرجایگزیدگی، عدم قطعیت، درهم‌تنیدگی و ارتباطات شبکه‌ای در عصر کوانتومی باعث نوعی «جهش کوانتومی»^{۲۱} در نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران شده که همانند تأثیرات

«جهش ژنتیکی»، تبعات ناخوسته‌ای را به جامعه ایران تحمیل کرده است.

متأسفانه، چنین به‌نظرمی‌رسد که مسائل اجتماعی در تار و پود معضلات اقتصادی و بین‌المللی دولت، از اولویت بندی بالایی برخوردار نیستند؛ در نتیجه، بحران‌هایی نظیر؛ اعتراضات خیابانی هیجانی و خشونت‌آمیز، ناهنجاری‌های اجتماعی، شکاف عمیق طبقاتی، پرسه‌های دیجیتالی برای فرار از واقعیت‌های اجتماعی، افزایش نرخ بیکاری و ... در کنار جهش کوانتومی مورد اشاره، ضربان قلب جامعه مدنی را به میزان نگران‌کننده‌ای افزایش داده و سلامت پیکره نظام اجتماعی ایران را به مخاطره انداخته است.

به تعبیری، مجدداً تاریخ ایران در یکی از نقاط لولایی خود قرار گرفته است؛ وضعیتی که اگر برای آن چاره‌اندیشی نشود، نظام اجتماعی و به طور خاص جامعه مدنی، در کوتاه‌مدت وضعیت «آنومی و بی‌هنجاری» را حفظ نموده و در میان‌مدت، می‌تواند با فروریزش مواجه شود.

درعین‌حال، سیری در تاریخ سیاسی جوامع نشان می‌دهد که در شرایط بحرانی است که یک نظام اجتماعی صیقل یافته و بر نقاط ضعف خود چیره می‌شود؛ بنابراین، در صورتی که بتوان با تکیه بر مبانی و بسترهای سنتی و ارزشی، این مرحله را پشت سر گذاشت، در میان‌مدت و بلندمدت تحقق یک جامعه مدنی مشارکتی قابل حصول به نظر می‌رسد.

کتاب‌نامه

- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی*، چاپ اول، تهران: نشر نگاه معاصر
- سبجانی، جعفر (۱۳۶۷)، *فروع/ابدیت*، چاپ چهارم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی
- کراپر، واچ (۱۳۸۷)، *فیزیک‌دانان بزرگ*، ترجمه محمدعلی جعفری، چاپ اول، تهران: نشر اختران
- منصوری، علیرضا (۱۳۹۶)، *مبانی فلسفی مکانیک کوانتوم*، چاپ دوم، تهران: نشر نی
- امین، سیدحسن (۱۳۷۶)، «تعریف و پیشینه جامعه مدنی»، *کیهان/اندیشه*، شماره ۷۶، صص ۶۱ - ۴۷
- سپهر، مسعود (۱۳۷۷)، «مؤلفه‌های جامعه مدنی ایران»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، بهار، شماره ۵، صص ۷۵ - ۶۹
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸)، «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، فروردین و اردیبهشت، سال بیست و سوم، شماره ۲۶۰ - ۲۵۹، صص ۱۴۵ - ۱۳۲

- محمودی‌کیا، محمد (۱۳۹۶)، «سیاست کوانتومی؛ کاربرست نظریه کوانتوم در تحلیل پدیده‌های سیاست‌بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۲۶، صص ۱۹۷ - ۲۲۱
- محمودی‌کیا، محمد و قربانی شیخ‌نشین، ارسلان (۱۳۹۷)، «جهانی شدن دین در مدل مکانیک کوانتومی سیاست بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۲۸ - ۱۰۷
- میرمحمدی، مهدی (۱۳۸۹)، «پویایی روش‌شناسی در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۶۹۶ - ۶۶۹

- Becker, Theodore, (1991), Quantum Politics: Applying Quantum Theory to Political Phenomena, New York, Praeger
- Norris, Christopher, (2000), Quantum Theory and the Flight from Realism, London, Rutledge
- Sheng, Andrew, (Online publication 2019), A New Bretton Woods Vision for a Global Green New Deal; Revitalizing the Spirit of Bretton Woods, 50 Perspectives on the Future of the Global Economic System, Bretton Woods Committee (<https://www.brettonwoods.org/BW75/compendium-release>)
- Wendt, Alexander, (Online publication 2015), Quantum Mind and Social Science: Unifying Physical and Social Ontology, North America Ohio State, Cambridge University Press
- Kazemi, Ali Asghar, (2015), "Quantum Politics New Methodological Perspective", International Studies Journal(ISJ), No.45, Year 9, Summer, Vol. 12
- Rabinowitz, Mario, (2008), "Is Quantum Mechanics Incompatible with Newton's First Law?", International Journal of Theoretical Physics, April, Vol. 47(4)
- Smith, Reginald Donald, (1998), "Social Structures and Chaos Theory", Sociological Research Online, Vol. 3, No. 1, Abstract (<https://journals.sagepub.com/doi/10.5153/sro.113>)
- Walker, Rob B.J., (1991), "State Sovereignty and the Articulation of Political Space/ Time", Millennium, First Published, Vol. 20, Issue 3
- The Research Center of Islamic Legislative Assembly, Last Visit, August 17, 2020
- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/133414>

Financial Tribune, February 04, 2018, Last Visit, Sep 04, 2020

- <https://financialtribune.com/articles/economy-sci-tech/81384/iran-ranked-world-s-7th-instagram-user>

The Verge, Jon Porter, February 12, 2020, Last Visit, Sep 04, 2020

- <https://www.theverge.com/2020/2/12/21134652/whatsapp-2-billion-monthly-active-users-encryption-facebook>

Shortform, Last Visit, Sep 07, 2020

- <https://www.shortform.com/summary-v2/the-structure-of-scientific-revolutions-summary-thomas-kuhn>

IRNA, July 08 2019, Last Visit Sep 08 2020

- <https://www.irna.ir/news/83387679>
- ISNA, Dec 18 2019, Last Visit Sep 08 2020
- <https://www.isna.ir/news/98092720321/>
- Tabnak, Jan 25 2020, Last Visit Sep 08 2020
- <https://www.tabnak.ir/fa/news/954462>

UNESCO, Last Visit Sep 08 2020

- <http://uis.unesco.org/en/country/ir>
- Statista, Amna Puri-Mirza, May 28, 2019, Last Visit, Sep 09, 2020
- <https://www.statista.com/statistics/603061/number-of-internet-users-in-middle-east-countries>
- Oxford Bibliographies, Katharina E. Höne, Last Modified 27 April 2017, Last Visit Sep 9 2020
- <https://www.oxfordbibliographies.com/view/document/obo-9780199743292/obo-9780199743292-0203.xml>
- Financial Times, John Thornhill, Sep 28 2018, Last Visit Sep 10 2020
- <https://www.ft.com/content/e4eabea2-c2f9-11e8-8d55-54197280d3f7>

۱. ماکس کارل ارنست لودویگ پلانک Max Karl Ernst Ludwig Planck فیزیکدان آلمانی (۱۹۴۷ - ۱۸۵۸) را پدر نظریه کوانتوم می‌نامند. پلانک با تمرکز بر روی موضوع تابش جسم سیاه، تحقیق بر روی ذرات انرژی را آغاز کرد و این ذرات زیراتمی را کوانتوم نامید. پس از وی، انیشتین با تکیه بر نظریه کوانتا (جمع کوانتوم)، نظریه نسبیت و هم ارزی جرم و انرژی را مطرح کرد.

2. Quantum Politics: Applying Quantum Theory to Political Phenomena
3. The Future of Tele democracy
4. Applying a Post-Newtonian Worldview to Governance and the Science of Politics
5. Quantum Politics: Beyond the Simple Left-Right Political Spectrum
6. Partnership
7. Rules and Rituals
8. Social contract
9. Pluralism and Social Diversity
10. Quantum Politics
11. Superposition
12. Quantum Social Science

۱۳. Non Locality ویژگی ذرات بسیار کوچک در ابعاد میکروسکوپی که همچون الکترون‌هاست که مکان و سرعت آنها را در هر لحظه از زمان نمی‌توان به دقت بیان کرد و همواره به صورت نسبی و با عدم قطعیت اندازه‌گیری می‌شوند. در حالی که جایگزیده بودن دلالت بر اشغال فضا در ابعاد ماکروسکوپی و قابل مشاهده بودن جسم است که در منطق فیزیک کلاسیک مورد توجه قرار می‌گیرد.

14. Contingency
15. Uncertainty Principle
16. Heisenberg

۱۷. ۲۰۰۸ - ۱۹۱۷) هواشناس آمریکایی است که تئوری اثر پروانه‌ای Butterfly Effect را به عنوان سنگ-بنای نظریه آشوب، مطرح کرد. طبق نظریه آشوب، تغییری کوچک (مثلاً بال‌زدن پروانه) در یک سیستم آشوب‌ناک چون جو سیاره زمین، می‌تواند باعث تغییرات شدید (وقوع طوفان در کشوری دیگر) شود.

18. Critical Order
19. Work Motivation Theories
20. Anthony Giddens
21. Quantum mutation